

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

و. ا. لنین- دسمبر ۱۹۱۹*
برگردان و ارسال از: سازمان مارکسیست – لنینیست افغانستان
۰۳ مارچ ۲۰۲۲

نامه ای به کارگران و دهقانان اوکراین پیشنهاد پیروزی بر دنیکن

ما خواهان اتحاد داوطلبانه ملت ها هستیم - اتحادی که مانع هرگونه اجبار یک ملت توسط ملت دیگر شود - اتحادی که بر اعتماد کامل، بر به رسمیت شناختن صریح اتحاد برادرانه، بر اساس رضایت مطلقاً داوطلبانه بنا شده است. چنین اتحادی را نمی توان در یک لحظه ایجاد کرد. ما باید با بیش ترین حوصله و احتیاط برای آن تلاش کنیم تا کار ها را خراب نکنیم و بی اعتمادی را برنیانگیزیم و بی اعتمادی به ارث رسیده از قرن ها ستم زمینداری و سرمایه داری، قرن ها مالکیت خصوصی و دشمنی ناشی از آن تقسیمات و تقسیمات مجدد، ممکن است فرصتی برای از بین رفتن داشته باشد.

بنابراین، ما باید برای اتحاد ملت ها پیگیرانه تلاش کنیم و هر آنچه را که بین آنها تفرقه می اندازد، بی رحمانه سرکوب کنیم و در انجام این کار باید بسیار محتاط و صبور باشیم و برای بازماندگان بی اعتمادی ملی امتیاز بدهیم. ما باید نسبت به هر چیزی که منافع اساسی کارگر را در مبارزه برای رهائی از یوغ سرمایه تحت تأثیر قرار می دهد، سرسخت و سازش ناپذیر باشیم. فعلاً بحث تعیین مرز ها - چون ما در تلاشیم به سمت لغو کامل مرز ها برسیم - مسأله ای جزئی است، اساسی و مهم نیست. در این مورد ما می توانیم صبر کنیم و باید منتظر بمانیم، زیرا بی اعتمادی ملی در میان توده وسیع دهقانان و خرده مالکان اغلب بسیار سرسخت است و عجله ممکن است آن را تشدید کند، به عبارت دیگر، عامل وحدت کامل و نهائی را به خطر بیندازد.

تجربه انقلاب کارگری و دهقانی در روسیه، انقلاب اکتوبر- نومبر ۱۹۱۷، و دو سال مبارزه پیروزمندانه در برابر هجوم سرمایه داران بین المللی و روسی، به وضوح نشان داده است که سرمایه داران موفق شده اند. زمانی در بازی با بی اعتمادی ملی روس های بزرگ که توسط دهقانان و خرده مالکان پولندی، لتونی، استونیایی و فنلندی احساس می شد؛ موفق شدند برای مدتی بر اساس این بی اعتمادی بین آنها و ما اختلاف ایجاد کنند. تجربه نشان داده است که این بی اعتمادی خیلی به تائی از بین می رود و هر چه احتیاط و شکیبائی روس های بزرگ که برای مدت طولانی ملتی ستمگر بوده اند، بیشتر شود، قطعاً این بی اعتمادی از بین خواهد رفت. با به رسمیت شناختن استقلال کشور های پولند، لتونی، لیتوانی، استونی و فنلند است که به آرامی، اما پیوسته اعتماد توده های زحمتکش و دولت های کوچک همسایه

را که عقب مانده تر و فریب خورده تر و تحت فشار سرمایه داران بودند، جلب خواهیم کرد. این مطمئن ترین راه برای خلاصی آنها از نفوذ سرمایه داران ملی "شان" و هدایت آنها به اعتماد کامل به جمهوری اتحاد بین المللی شورائی آینده است.

تا زمانی که اوکراین به طور کامل از دست دنیکن آزاد نشده باشد، دولت آن تا زمان تشکیل کنگره سراسری شورا ها، "کمیته انقلابی سراسر اوکراین" است. علاوه بر کمونیست های بلشویک اوکراینی، کمونیست های بوروتبای [۱] اوکراینی نیز به عنوان اعضای دولت در این کمیته انقلابی کار می کنند. یکی از مواردی که بوروتبیست ها را از بلشویک ها متمایز می سازد، این است که آنها بر استقلال بی قید و شرط اوکراین پافشاری می کنند. بلشویک ها این موضوع را موضوع اختلاف و تفرقه قرار نمی دهند، آنها این را مانعی در برابر تلاش هماهنگ پرولتری نمی دانند. در مبارزه علیه یوغ سرمایه و برای دیکتاتوری پرولتاریا باید وحدت وجود داشته باشد و نباید راه را در میان کمونیست ها در مورد مسأله مرزهای ملی، یا این که آیا باید بین ایالت ها یک رابطه فدرالی یا پیوند دیگری وجود داشته باشد، جدا کرد. در میان بلشویک ها طرفداران استقلال کامل اوکراین، طرفداران پیوند کم و بیش نزدیک فدرالی و طرفداران ادغام کامل اوکراین با روسیه وجود دارند.

در مورد این سؤال ها نباید هیچ اختلافی وجود داشته باشد. در خصوص آن، در کنگره سراسری شورا های اوکراین تصمیم گیری خواهد شد.

اگر یک کمونیست روسیه کبیر بر ادغام اوکراین با روسیه اصرار داشته باشد، ممکن است اوکراینی ها براحتی به او مشکوک شوند که از این سیاست حمایت می کند، نه به انگیزه اتحاد پرولتاریا در مبارزه علیه سرمایه، بلکه به دلیل تعصبات ناسیونالیستی و امپریالیستی روسیه بزرگ. یک چنین بی اعتمادی، طبیعی و تا حدی اجتناب ناپذیر و مشروع است، زیرا در زیر یوغ زمینداران و سرمایه داران، از قرن ها پیش بدینسو دآوری های شرم آور و نفرت انگیز شوونیسم روسیه کبیر به خورد روس های بزرگ، داده شده است.

اگر یک کمونیست اوکراینی بر استقلال دولتی بی قید و شرط اوکراین پافشاری کند، خود را در معرض این سوء ظن قرار می دهد که از این سیاست حمایت می کند، نه به دلیل منافع موقت کارگران و دهقانان اوکراینی در مبارزه آنها علیه یوغ سرمایه، بلکه به دلیل تعصبات ملی خرده بورژوائی خرده مالک. تجربه صد ها مورد از «سوسیالیست های» خرده بورژوائی کشورهای مختلف - همه شبه سوسیالیست های پولندی، لتویائی و لیتوانیائی، منشویک های گرجستانی، سوسیالیست-رولوسیونر ها (اس آر ها) و مانند آن ها - را در پوشش حامیان پرولتاریا ارائه کرده است. تنها هدف از ترویج فریبکارانه سیاست سازش با بورژوازی ملی «آنها» علیه کارگران انقلابی است. ما این را در مورد حکومت کرنسکی در روسیه در دوره فبروری- اکتوبر ۱۹۱۷ دیدیم و در همه کشورهای دیگر هم دیده ایم و داریم.

بنابراین، بی اعتمادی متقابل بین کمونیست های روسیه بزرگ و اوکراین می تواند براحتی ایجاد شود. چگونه می توان با این بی اعتمادی مبارزه کرد؟ چگونه می توان بر آن غلبه کرد و اعتماد متقابل ایجاد کرد؟

بهترین راه برای دستیابی به این هدف، همکاری با یک دیگر برای حمایت از دیکتاتوری پرولتاریا و قدرت شورائی در مبارزه با زمینداران و سرمایه داران همه کشور ها و علیه تلاش آنها برای بازگرداندن سلطه از دست رفته شان، است. این مبارزه مشترک در عمل به وضوح نشان خواهد داد که تصمیم در مورد استقلال دولتی یا مرز ها هر چه باشد، باید یک اتحاد نظامی و اقتصادی نزدیک بین کارگران روسیه بزرگ و اوکراین وجود داشته باشد، زیرا در غیر این صورت سرمایه داران «انتانت»، به عبارت دیگر، اتحاد ثروتمند ترین کشورهای سرمایه داری - انگلیس، فرانسه،

امریکا، جاپان و ایتالیا - ما را جداگانه در هم خواهند شکست و خفه خواهند کرد. مبارزه ما با کولچاک و دنیکن که این سرمایه داران به آنها پول و اسلحه می دادند، نمایانگر این خطر است.

کسی که اتحاد و نزدیک ترین اتحاد بین کارگران و دهقانان روسیه بزرگ و اوکراین را تضعیف می کند، به کولچاک ها، دنیکن ها و راهزنان سرمایه دار همه کشور ها کمک می کند.

در نتیجه، ما کمونیست های روسیه بزرگ باید کوچک ترین جلوه ای از ناسیونالیسم روسیه کبیر را در صفوف خود با نهایت شدت سرکوب کنیم، زیرا این گونه مظاهر که به طور کلی خیانت به کمونیسم است، با جدا کردن ما از رفقای اوکراینی مان، بیش ترین آسیب را به بار آورده و بالآخر، به مثابه ابزاری در دست دنیکن و رژیم او میدل می شود.

در نتیجه، ما کمونیست های روسیه بزرگ باید در زمانی که اختلافاتی میان کمونیست های بلشویک و بوروتیست های اوکراینی وجود دارد و این اختلافات به استقلال دولتی اوکراین، شکل های اتحاد او با روسیه و به طور کلی مسأله ملی مربوط می شود، امتیاز بدهیم. اما همه ما، کمونیست های روسیه بزرگ، کمونیست های اوکراینی، و کمونیست های هر ملت دیگری، باید در مسائل اساسی که برای همه ملت ها یکسان است، تسلیم ناپذیر و آشتی ناپذیر باشیم. ما نباید سازش با بورژوازی یا هر گونه تقسیم نیرو هائی را که از ما در برابر دنیکن محافظت می کنند، تحمل کنیم.

دنیکن باید مغلوب و نابود شود، و چنین تهاجماتی مجاز به تکرار نیست. این به نفع اساسی کارگران و دهقانان روسیه و اوکراین است. یک چنین مبارزه ای طولانی و دشوار خواهد بود، زیرا سرمایه داران کل جهان به دنیکن کمک می کنند و به سائر دنیکن صفت ها نیز کمک خواهند کرد.

در این مبارزه طولانی و سخت، ما کارگران روسیه و اوکراین باید نزدیک ترین اتحاد را حفظ کنیم، زیرا به طور جداگانه ما قطعاً قادر به مقابله با این وظیفه نخواهیم بود. مرز های اوکراین و روسیه هر چه که باشد، هر شکلی که روابط دولتی متقابل آنها باشد، این چندان مهم نیست. این موضوعی است که در آن می توان و باید امتیازاتی داد، که در آن می توان یک کار، کار دیگر یا سومی را انجام داد، ولی آرمان کارگران و دهقانان مبنی بر پیروزی بر سرمایه داری، به این دلیل از بین نخواهد رفت.

اما اگر نتوانیم نزدیک ترین اتحاد را - اتحاد علیه دنیکن، اتحاد علیه سرمایه داران و کولاک های کشور مان و همه کشور ها را حفظ کنیم، به یقین تا سال های سال زمینه های مبارزه از بین خواهد رفت، به این معنی که سرمایه داران قادر خواهند شد تا هم اوکراین شوروی و هم روسیه شوروی را درهم کوبیده و خفه سازند.

و آن چه که بورژوازی همه کشور ها و هر نوع احزاب خرده بورژوائی، یعنی احزاب «سازشکار» که اجازه اتحاد با بورژوازی علیه کارگران را می دهند، بیش از همه تلاش می کنند تا کارگران ملیت های مختلف را از هم جدا سازند. بی اعتمادی و به هم زدن اتحاد بین المللی نزدیک و برادری بین المللی کارگران را. هرگاه بورژوازی در این امر موفق شد، آرمان کارگران از بین می رود. بنابراین، کمونیست های روسیه و اوکراین باید با تلاش صبورانه، پیگیرانه، سرسختانه و هماهنگ، دسیسه های ناسیونالیستی بورژوازی را خنثی کنند و تعصبات ملی گرایانه را از بین ببرند و زحمتکشان جهان را به الگویی از اتحاد واقعاً مستحکم کارگران و دهقانان ملل مختلف در مبارزه برای قدرت شورائی؛ برای دور انداختن یوغ زمینداران و سرمایه داران؛ و برای یک جمهوری فدرال شورائی جهانی، مبدل سازند.

یادداشت مترجم:

* تاریخ نگارش و نشر اولی این مقاله در دو منبع به زبان انگلیسی چنین آمده است:

منبع نخست:

تاریخ نگارش: ۲۴ اگست ۱۹۱۹.

نشر اولی: در پراودا، شماره ۱۹۰، ۲۸ اگست ۱۹۱۹. به صورت جزوه ای با امضای و. ا. لنین در سال ۱۹۱۹ در مسکو به نشر رسید.

چاپ چهارم کلیات لنین به زبان انگلیسی، اداره نشراتی پروگرس، مسکو، ۱۹۷۲، جلد ۲۹ صفحات ۵۶۰-۵۵۲.

منبع دوم:

تاریخ نگارش: ۲۸ دسمبر ۱۹۱۹.

نشر اولی: در پراودا، شماره ۳، چهارم جنوری ۱۹۲۰. پس از مطابقه با دستنویس لنین به اساس متن نشر شده در پراودا به نشر رسید.

چاپ چهارم کلیات لنین به زبان انگلیسی، دستگاه نشراتی پروگرس، مسکو، ۱۹۶۵، جلد ۳۰ صفحات ۲۹۱-۲۹۷.

[۱] حزب انقلابیون سوسیالیست - بوروتنیست (کمونیست) اوکراین و نویسندگان نشریه "ان بوروتبا - Borotba" (مبارزه) که از سال ۱۹۱۹م به بعد با حزب کمونیست (بلشویک) اوکراین همکاری کرده و در ماه مارچ ۱۹۲۰م در حزب کمونیست (بلشویک) اوکراین مدغم شدند.

ترجمه و ارسال از: سازمان مارکسیست - لنینیست افغانستان

۲۰۲۲ مارچ